



جمعه ۰۲ فبروری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

مقاومت سرتاسری در مقابل شوروی تجاوزگر

این دو برادر جوهره برخوردار در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین باز هم هر دو پهلو به پهلو به جفنگ گفتن های بی مفهوم خود دوام داده اند. برادریکه در چندین رشته داکتری دارد، از مجله آلمانی آن زمان که شوروی جنایت کار به خاک مقدس افغان هجوم آورد و از زمین و آسمان بر حملات مرگبار خود جهت نجات رژیم کودتایی تحت تربیت کی.جی.بی پرداخت، ترجمه نموده که باید برایش خاطر نشان شود که :

ای مترجم از برای خدا، از ترجمه نمودن صرف نظر کن زیرا بسیار نامفهوم است. وقتی با دقت به آن ترجمه نظر انداخته شود، بالاخره از آن جملات نامفهوم استنباط می شود که می خواهد در مورد عکس العمل رئیس جمهور همان وقت امریکا اظهار نظر کند و نشان بدهد که عکس العمل جیمی کارتر رئیس جمهور آن زمان امریکا بسیار تند و شدید بوده است. این شخص همچنان به ترجمه کاملاً بی مفهوم خود ادامه می دهد و هدفش این است تا هجوم شوروی را بر افغانستان برائت داده و کودتای خلقی ها و پرچمی ها را جنبه قانونی دهد. یک قسمت نوشته وی:

"نویسنده مفید می داند، تا نکات مهم و برجسته آنرا، بازگو نماید، که آن مجله چه تصویری را از وضعیت آن زمان کشور افغانستان ترسیم نموده است. در سطر بعدی، چنین خبر می دهد: « در افغانستان متعصبین مقاومتگر می جنگند» ."

نخیر فیلسوف صاحب، آنانیکه که اکثریت آرای نفوس افغانستان عزیز را تشکیل می دادند، متعصبین نبودند؛ بلکه ملت سرفراز افغان بود که علیه اشغالگران شوروی و نوکران خلقی و پرچمی آن کمر همت بستند و مقاومت نمودند، و افغانستان عزیز را از چنگال خرس کثیف روسی نجات دادند که نظیر آن در جهان کم دیده شده است و با این مقاومت و مبارزه خود، کاخ کرملین را به لرزه در

آورده و بالاخره باعث شکست شرم آور اردوی سرخ و توته توته شدن اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سوسیالیستی گردید.

دیده می شود که تفاله های این حزب منحل و منفور دست بردار نیستند و با ترجمه از مجلات چهل و چند سال قبل که به زحمت از آن یک مفهوم می شود دریافت نمود، به تبرئه حزبی گگ های خلقی و پرچمی پرداخته می شود.

بعداً به صورت بسیار درهم و برهم، که یکمرا تبه از ده و یکمرا تبه از درختهای ده بحث می نماید، می رسد به کودتای ماه اپریل ۱۹۷۸ و آن را بنام کودتای موفق یاد می کند، و کوشش می شود که خلقی ها را علیه پرچمی ها نشان بدهد و الله و بلا را بیندازد به گردن خلقی ها، درحالیکه سگ زرد برادر شغال است، تنها تفاوت در این است که با دار شان با از بین بردن تره کی و امین زمینه را برای اشغال افغانستان و به قدرت رسانیدن نوکران وفادار خود یعنی پرچمی ها مساعد ساختند.

این شخص فکر می کند که می تواند مردم افغانستان را با این چرندیات خود قناعت بدهد که تمام خرابی ها را تره کی و امین نمودند و رفقای پرچمی وی مردمان خدمتگزار به وطن و مردم بودند، درحالیکه پرچمی های وطن فروش که بعد از هجوم اردوی سرخ شوروی به قدرت رسیدند، به انواع متعدد فجایع، قتل و خونریزی تا هنگام سقوط دوام دادند.

برادر دومی به ادامه عنوان مضمونی که توسط یک نویسنده محترم در مورد وزیر خارجه روسیه تحت عنوان: **"سرگی لاوروف از تاریخ نیاموخته است"** پرداخته بود، باوجودیکه قبلاً برادر فیلسوف او در مورد دُر سفته بود، لکن این برادر دومی که یک درجه زیادتز به دوستی رفقای شوروی و رفقای پرچمی خود مفتخر است، نیز نخواست رشته کلام را از دست بدهد و خطاب به نویسنده مضمون به این ترتیب پرداخته است:

« جناب داکتر حقوق، تره کی صاحب محترم!

توجه بفرمائید، تاریخ خودش هیچ چیزی را برای انسانها نمی آموزاند. کهنه پرستی، طعنه بازی بذات خود بیمعنی است. امپراطوری شورویها که جناب شما تا هنوز هم در وسوسه سودای آن هستید، چهار دهه قبل ازهم فروپاشیده است. رقابتها باقیست، این رقابتها گاهی شدید، گاهی هم درزیر خاکستر جنگها میخوابد. بهتر است تا ما افغانها دیگر طعنه بازیهای شوئیستی بی اساس خود را کنار بگذاریم»

مقصد من دفاع از مضمون آقای تره کی نیست، خودش می تواند جواب بدهد و هر طور لازم می بیند همان کند، اما مقصد من از این دو برادر جوهره برخوردار است که به هیچ وجه نمی توانند از

دفاع نمودن رفقای حزبی خود صرف نظر کنند. معلوم است که به دستوری که برای شان داده شده است، عمل می کنند و دیگر هیچ چیزی برای شان اهمیت ندارد. شوروی سرافکنده شد، حزب کمونیست شوروی از هم پاشید، اما این بدبخت های وطنفروش شدیداً مغزشویی شده اند و فکر می کنند که بار دیگر خواهند توانست در افغانستان حکمروایی کنند، برای این سرسبیل ها می گویم که این خواب است و خیال است و محال است و جنون.

این جفنگ گو می نویسد: « ح. د. خ. ا. (۳۳) سی و سه سال قبل از هم پاشید، پارچه پارچه گردید، دیگر آن حزب هیچ وجود ندارد. »

باوجودیکه مقاومت مردم افغانستان کامیاب گردید و حزب شما منحل شد، پس چرا خود را به در و دیوار می زنید و از آن حزب منفور و منحلۀ تان که هم روی خود را و هم روی تاریخ را سیاه نمودند؛ هر روز هر دو برادر به تبلیغات و دفاع می پردازید. مطمئن باشید که دیگر شما موره های کاملاً سوخته و خاکستر شده هستید.

انشالله فرزندان واقعی افغانستان دیگر نخواهند گذاشت که احدی بسوی افغانستان چپ نگاه کند. بروید به زندگی شخصی و خانوادگی و کار و غریبی خود بپردازید، افغانستان و مردم رنج دیده آن به نظریات کثیف حزبی شماها ضرورتی ندارد. آن زمان که روس های تجاوزگر شماها را بر سریر قدرت در افغانستان نشاندند، چه گلی برکاکل افغانها زدید، که امروز بزنید. در تمام حزب منحلۀ تان حتی یک آدم را نمی توان سراغ کرد، همه و همه دیو و دد بودید و هستید و خواهید بود، چگونه باید از شماها توقع داشت که بعد یک عمر دیو و دد بودن، امروز آدم شوید؟!

بلی! آن حزب منفور و مردود، عاقبت به باطله دانی تاریخ سپرده شد و نیست و نابود گردید، اما تفاله های آن هنوز هم بوی گند میدهند و باعث ایجاد تعفن و هزار و یک مرض میگردند و هنوز هم از هر گوشه و بیشه ای و از هر ویرانه ای، سربلند نموده و کثافت پراگنی میکنند. روسیه شوروی هم مُرد و به زباله دانی تاریخ سپرده شده، اما هنوز بقایای آن باعث قتل و کشتار انسانها در روی زمین می شوند، همان پدر و همین پسران و نوکران و پادوان. آخر گفته اند "از گُل، گُل بروید و از خار، خس بماند."

استقلال – خپلواکی : اغلاط املائی و انشائی اقتباسات، به حال خود گذاشته شده اند.